ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
سه شنبه • ۲۸ خرداد ۱۳۹۸
۱۴ شوال ۱۴۴۰ • ۱۸ ژوئن ۲۰۱۹
شماره ۲۰۱۲۴
۱۳۴۷

رستگاری در دقیقه ۹۰

با حضور رحمتی در پدیده و خداحافظی برانکو با پرسپولیس، موضوع خداحافظی در روزهای اوج وبا خاطرات خوب دوباره سر زبان هاست

پرونده

یکی از تکراری ترین داستان‌ها در مستطیل سبز، خداحافظی ستاره‌هاست. ماجرای بازیکنان و مربیانی که سال‌ها در کنار یک تیم می‌مانند و به دلایلی یا تصمیم به رفتن می‌گیرند یا برای همیشه از دنیای فوتبال خداحافظی می‌کنند، یکی از موضوعاتی است که توجه زیادی به آن نمی‌شود. در این بین بعضی‌ها، باشگاه‌ها را مقصر می‌دانند که جایگاه بازیکن و مربی باسابقه‌شان را حفظ نمی‌کنند و برخی هم، بازیکنانی را که با موضوع خداحافظی در اوج، بیگانه‌اند. معمولا هم بعد از این اتفاق‌ها، عبارت کلیشه‌ای «ضرورت خداحافظی به موقع و در اوج» بر سر زبان‌ها می‌افتد. در پرونده امروز زندگی سلام به بهانه جدایی رحمتی از استقلال در ۳۸ سالگی و جدایی برانکو از پرسپولیس بعد از هت تریک قهرمانی، درباره آن‌هایی نوشته‌ایم که ظرفیت خداحافظی باشکوه را داشتند اما سرانجام دیگری برایشان رقم خورد. همچنین گفت‌وگویی با «علیرضا اکبرپور» درباره این موضوع داشتیم و از بازیکن‌هایی یاد کردیم که با خداحافظی به موقع شان در تاریخ ماندگار شدند.

نگاهی به زندگی چند فوتبالیست که خداحافظی آبرومندانه‌ای داشتند

آویختن کفش‌ها در اوج!

برای یک ورزشکار خیلی مهم است که تا پایان کارنامه ورزشی‌اش موفق به کسب افتخار شود و بتواند خود را روی خط اوج نگه دارد. در این مطلب سعی می‌کنیم نگاهی به کارنامه فوتبالی چند بازیکن بیندازیم که توانسته‌اند تا روز خداحافظی کیفیت خودشان را حفظ کنند.

احمدرضا عابدزاده | با یرنی‌ها به خط

اگر بخواهیم بین فوتبالیست‌های کشورمان پر فراز و نشیب‌ترین و پرحادثه‌ترین زندگی‌های فوتبالی را فهرست کنیم، قطعا یکی از اولین‌های این فهرست «احمدرضا عابدزاده» خواهد بود. گلر محبوب و کاریزماتیک فوتبال ایران که در دوران بازی‌اش دل میلیون‌ها ایرانی به ایستادن او در چارچوب دروازه قرص بود. آخرین بازی رسمی که احمدرضا عابدزاده تجربه کرد، بازی آخر تیم پیروزی (پرسپولیس فعلی) در لیگ آزادگان فصل ۷۹-۷۸ بود که با قهرمانی او و تیم اش به پایان رسید. البته عابدزاده بازی خداحافظی‌اش را طی مراسم باشکوهی مقابل ستاره‌های بایرن مونیخ برگزار کرد و برای همیشه دستکش‌هایش را آویخت.

علیرضا منصوریان | خداحافظی در فینال

هواداران او را «علی منصور» می‌خوانند؛ یکی از دوست داشتنی‌های استقلال. یکی از نسل ستاره‌های جام جهانی ۹۸ ایران. آمدنش به استقلال با تست فنی در کارخانه یخ‌سازی عبداللّهی سرمربی وقت استقلال انجام شد. همان جا بود که چنان عالی ظاهر شد که در همان ملاقات اول عبداللّهی از مدیران خواست به سرعت با این پسر قرارداد ببندند. علی منصور که از پارس خودرو و استقلال تا سن پائولی آلمان بازی کرد، برای تیم ملی هم ۴۷ بازی انجام داد و هشت گل ملی به ثبت رساند. البته خداحافظی منصوریان برخلاف بسیاری از ستاره‌های کشورمان قابل قبول بود. او در فینال جام حذفی سال ۸۷ با استقلال قهرمان شد و برای همیشه کفش‌هایش را آویخت.

استیون جرارد | به معنای واقعی باشکوه

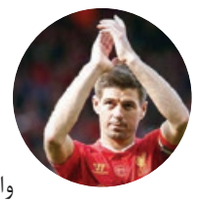

وقتی صحبت از تعصب فوتبالی می‌شود، بازیکنان زیادی نیستند که سال‌های سال به باشگاه خودشان وفادار مانده باشند و موقعیت‌های مختلف مالی و ورزشی برای رفتن وسوسه‌شان نکرده باشد. اما حکایت هافبک باصلابت لیورپول چیز دیگری است. «استیون جرارد» از سال ۱۹۸۹ وارد تیم‌های پایه لیورپول شد و تا فصل ۲۰۱۶ در این باشگاه انگلیسی باقی ماند. او برای لیورپول ۵۰۴ بازی کرد و ۱۲۰ گل هم به ثمر رساند. جرارد بازی‌های خوبی برای تیم ملی انگلیس انجام داد و در سال ۲۰۰۵ عنوان بهترین بازیکن اروپا را به دست آورد. او سرانجام در ۳۶ سالگی از دنیای فوتبال خداحافظی کرد.

زین‌الدین زیدان | خداحافظی تلخ اما در اوج

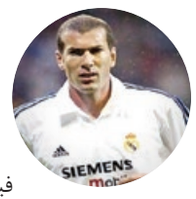

لابد از نظر خیلی‌ها اخراج شدن در بازی آخر دوران بازیکنی فوتبال و از دست دادن یک قهرمانی اتفاق بسیار ناخوشایندی است. اما اگر به کارنامه بازی‌های «زین‌الدین زیدان» نگاهی بیندازیم می‌بینیم او هیچ چیز از افتخار و در اوج بودن کم نداشته است. آخرین بازی‌اش فینال جام جهانی بوده و آخرین باشگاهش رئال مادرید. سه بار در جام جهانی بازی کرده، یک قهرمانی و یک نایب قهرمانی کسب کرده، جام ملت‌ها را با فرانسه فتح کرده، با رئال مادرید جام باشگاه‌های اروپا را روی سر برده و حدود ۱۰ قهرمانی باشگاهی دیگر هم در کارنامه دارد. حالا چه کسی می‌تواند بگوید یک حرکت عجیب و عصیانگرانه در آخرین بازی دوران فوتبالی‌اش می‌تواند چیزی از همیشه در اوج بودن او کم کند؟

گفت‌وگو با «علیرضا اکبرپور» درباره بی سر و سامانی خداحافظی فوتبالیست‌ها در ایران

بازیکنان با خداحافظی به موقع اعتبارشان را حفظ کنند

مازیار حکاک | روزنامه‌نگار

ستاره سال‌های نه چندان دور باشگاه استقلال که بیش از ۲۰۰ بار برای آبی‌های پایتخت به میدان رفته، یکی از بازیکن‌هایی است که بعد از ۱۰ سال حضور در یک تیم بزرگ بدون هیچ مراسم خداحافظی، کفش‌هایش را آویخت. در ادامه، گفت‌وگویی با او درباره مراسم خداحافظی بازیکنان فوتبال در ایران که سر و سامان درست و حسابی ندارد، داشته‌ایم که خواهید خواند.

چرا موضوع خداحافظی بازیکنان بزرگ و باسابقه در فوتبال ما به خصوص از تیم‌های باشگاهی‌شان در شأن بازیکنان نیست، البته شما هم با این مسئله مواجه بودید. درست است؟

بله، من که اصلا خداحافظی نکردم و به عبارتی من را خداحافظی دادند! موضوع من که تمام شده و گذشته است اما واقعیت این است که برای تیم‌های بزرگ ما این مسئله یک نقطه ضعف مهم است. بازیکنی که ۱۰ تا ۱۵ سال در یک تیم بازی می‌کند و از جان خود برای آن تیم مایه می‌گذارد، زمانی که شرایطی پیش می‌آید که به درد تیم نمی‌خورد یا مربی به او نیازی ندارد، باید محترمانه‌تر و شیک‌تر از تیم اش جدا شود. البته با بازیکنی که می‌خواهد کلا خداحافظی کند، باید با یک شیوه برخورد شود و با بازیکنی که می‌خواهد به تیم دیگری برود هم باید طور دیگری برخورد شود تا احترام بازیکن و باشگاه حفظ شود.

خاطرتان هست مثلا در استقلال، آخرین مراسم خداحافظی باشکوهی که برای یک بازیکن برگزار شده چه زمانی بوده است؟

من ۱۰ سال برای استقلال زحمت کشیدم اما وقتی مربی من را نخواست، حتی یک نفر از من خداحافظی نکرد چه برسد به برگزاری مراسم و .... با این حال، تنها بازیکنی که در دهه اخیر برایش مراسم خداحافظی باشکوهی برگزار شد، «علیرضا منصوریان» بود در صورتی که ستاره‌های زیادی در این سال‌ها در استقلال توپ زدند و از فوتبال کنار رفتند. البته این مسئله هم از زرنگی منصوریان بود که خداحافظی خوبی برایش برگزار شد. او روی مدیران باشگاه و تیم احاطه داشت و همین باعث شد که خداحافظی‌اش باشکوه شود. با این حال، کلیت این موضوع فقط برای استقلال نیست و همه باشگاه‌ها به دلیل بی‌برنامگی و حرفه‌ای نبودن، توجهی به آن ندارند.

البته انگشت اتهام را نباید فقط به سمت باشگاه‌ها برد، به نظر می‌رسد یکی از دلایل این اتفاق این است که خود بازیکن‌ها هم تکلیف‌شان با خودشان برای خداحافظی مشخص نیست؟

گاهی سن که بالا می‌رود، بازیکن نمی‌تواند با جوان‌های ۲۰ ساله در زمین بجنگد و رقابت کند. این بازیکن‌ها نباید به خاطر یک سال بیشتر دیده شدن یا پول گرفتن، همه خاطرات خوب شان با تماشاگران را به باد بدهند تا جایگاه‌شان حفظ شود. همان طور که شما هم گفتید در مقابل این که ما می‌گوییم باشگاه‌ها باید به این مسئله توجه کنند، بازیکنان هم باید شأن خودشان را حفظ کنند.

درباره بازیکنانی که به بدترین شکل و در بدترین زمان کفش‌های‌شان را آویختند

ناکام در ترک خاطره‌انگیز مستطیل سبز

کمتر فوتبالیست ایرانی را سراغ داریم که با یک بازی خداحافظی شیک در حضور تمامی هواداران و مشابه استاندارد‌های جهانی کفش‌هایش را آویخته باشد. در عوض تا دل‌تان بخواهد بازیکنانی را داریم که نتوانستند با پیراهن تیم محبوب‌شان خداحافظی کنند، یا اصلا دیگر باشگاهی برای ادامه همکاری با آن‌ها به نتیجه نرسیده است یا در روزی که روز خداحافظی آن‌ها اعلام شده بود هواداری به ورزشگاه نیامده است. در این مطلب نگاهی داریم به چند فوتبالیست معروف ایرانی که خداحافظی‌شان به بدترین شکل ممکن رقم خورد.

علی کریمی | وداع بدون قرمزها

جادوگر فوتبال ایران در سال‌های آخر بازی‌اش با یک بدشانسی بزرگ روبه‌رو شد. هدایت پرسپولیس را در فصل ۹۳-۹۲ علی دایی بر عهده گرفت تا با توجه به رابطه شکرآب بین این دو، کریمی جایی در تیم پرسپولیس نداشته باشد. کریمی به امید این که می‌تواند به پرسپولیس بازگردد به تراکتورسازی رفت و با این تیم قهرمان جام حذفی شد اما باز هم پاشنه در به کام او نچرخید و نتوانست به تیم محبوب‌اش بازگردد. کریمی به یک باره و در ۲۹ تیر ۹۳ با یک بیانیه از فوتبال خداحافظی کرد تا ستاره بایرن خیلی غریبانه از فوتبال کنار برود.

فرهاد مجیدی | سکوهای خلوت

شماره ۷ محبوب آبی‌ها در مهر ۹۱ ابتدا با انتشار بیانیه‌ای از فوتبال خداحافظی کرد. این بیانیه مربوط به زمانی می‌شد که او یک نیم فصل به صورت قرضی به الغرافه رفته بود. ۸۱ روز پس از این خداحافظی با قراردادی ۱/۵ ساله به استقلال پیوست تا هواداران استقلال غرق در شادی شوند. با این حال فرهاد نتوانست تا پایان این قرارداد دوام بیاورد. او در آبان ۹۲ در بازی با مس و در روزی که هوادار زیادی به ورزشگاه نیامده بود، پس از تعویض در دقیقه ۸۸ به آغوش امیر قلعه‌نویی رفت و بعد از آن چهار گوشه زمین را بوسید تا با خداحافظی‌اش همه را در شوک و بهت فرو ببرد.

جواد نکونام | خارج از اوج

کاپیتان سابق تیم ملی پس از یکی دو بار رفت و برگشت به لالیگا و تیم‌های عربی در سال ۹۴ تصمیم به بازگشت به لیگ کشورمان گرفت اما جایی در تیم محبوب‌اش یعنی استقلال نداشت. او یک نیم فصل را در سایپا بازی کرد اما نتوانست آن نکونام همیشگی باشد و مورد انتقاد رسانه‌های این کشور بود. در نتیجه او خیلی زود و در ۳۵ سالگی تصمیم به خداحافظی گرفت.

آندرانیک تیموریان | رکورد دار

هر چند او هرگز خداحافظی‌اش را به طور رسمی اعلام نکرده اما مانند مجتبی جباری مجبور به خداحافظی شد. آندو تا پایان لیگ هفدهم در گسترش فولاد به فوتبالش ادامه داد، اما برای فصل بعدی یعنی لیگ گذشته با تیمی به توافق نرسید. تیموریان حتی برای خداحافظی‌اش بیانیه هم نداد و به طور رسمی خداحافظی نکرد، اما یک فصل بدون تیم بودن به معنای خداحافظی غیررسمی آندو از فوتبال است.

خسرو حیدری | چشمان غمبار

آخرین برگ از خداحافظی‌های ناکام شاید خسرو حیدری باشد. او قبل از بازی با سپیدرود رشت در لیگ هجدهم تصمیم به خداحافظی گرفت. پست‌های او در اینستاگرام و صحبت‌های گوشه و کنار نشان می‌داد او چه فشاری را برای این قضیه تجربه می‌کند. با این حال هواداران استقلال در روز خداحافظی ورزشگاه را پر نکردند. باشگاه البته برنامه خاصی برای این قضیه نداشت و خسرو با چشمانی غمبار و در کنار فرهاد مجیدی از مستطیل سبز خداحافظی کرد.

پایان با شکوه!

دنیله ده‌روسی، هافبک وفادار رم که همیشه با واژه‌های غیرت و تعصب شناخته می‌شود، ماه گذشته از هواداران این تیم خداحافظی کرد. آخرین گلادیاتور رمی‌ها تمایل داشت باز هم در رم بماند اما در تفکرات تاکتیکی سرمربی این تیم جایی نداشت، پس خیلی شیک و مجلسی مراسمی برای او برگزار شد که یکی از باشکوه‌ترین خداحافظی‌ها در مستطیل سبز بوده است. در مراسم خداحافظی او ورزشگاه المپیک رم مملو از تماشاگر بود و همه با پلاکاردهایی که به همراه داشتند از زحمات او برای تیم شهرشان در این سال‌ها تشکر کردند. پس از پایان بازی فرانچسکو توتی و خانواده ده‌روسی هم کنار زمین آمدند تا در یک شب تاریخی، او با خاطره خوش تیم را ترک کند. سال گذشته نیز بوفون ستاره سابق تیم یوونتوس چنین وضعیتی داشت و در یک خداحافظی احساسی با هواداران این تیم وداع کرد.

به طور کلی اگر خواسته باشیم به وفور می‌توانیم از این مثال‌ها نام ببریم. از خداحافظی زلاتان با هواداران پاری سن ژرمن بگیرید تا خداحافظی استیون جرارد با هواداران لیورپول، خداحافظی کاسیاس و رائول با هواداران رئال و خداحافظی وین رونی با هواداران دو آتشه شیاطین سرخ و خداحافظی احساسی ژاوی در نیوکمپ. به طور کلی در اروپا از جایی که تکلیف باشگاه‌ها و بازیکنان در قضیه خداحافظی روشن است، کمتر ستاره متعصبی را می‌بینیم که مراسم خداحافظی‌اش با هواداران برگزار نشود یا آن مراسم، باشکوه نباشد.

بازیکنان درست در جایی که حس می‌کنند دیگر توانایی حضور در جمع بهترین‌ها را ندارند، به فوتبال‌شان در آن تیم خاتمه می‌دهند. حال این که یا کلا از مستطیل سبز کنار می‌روند یا فوتبال‌شان را در لیگ‌های با کیفیت پایین‌تر دنبال می‌کنند. مقاصدی نظیر MLS آمریکا، لیگ چین و لیگ کشورهای متمول خلیج فارس که می‌تواند آورده مالی خوبی را در سال‌های پایانی بازی‌شان برای آن‌ها به همراه داشته باشد.

اما مسئله مهم‌تر برخورد باشگاه‌هاست. هر بازیکنی که ولو چند فصل برای تیم زحمت کشیده باشد برای مدیران و مسئولان محترم است. پس شأن او حفظ می‌شود و در نهایت شکوه کنار می‌رود. این مسئله قطعا برآمده از سال‌ها تجربه و اقدامات فرهنگی است که طبیعتا نمی‌توان خیلی سریع در فوتبال ایران به سمت آن حرکت کرد اما این ماجرا باید از یک جایی شروع شود. البته در همین فصل خداحافظی از مرتضی تبریزی توسط باشگاه ذوب آهن اقدام ویژه‌ای بود اما باید این مسئله خیلی جدی‌تر گرفته شود و حق هر بازیکنی است که عصر بازی هایش در آن باشگاه باشکوه تمام شود.

لحظه باشکوه خداحافظی مهدوی کیا از هامبورگ آلمان